

## بررسی مقایسه‌ای اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران و مصر بر مبنای نوع رابطه این دو کشور با آمریکا

### مقدمه

درباره رابطه ایران و آمریکا عده‌ای نظرات گوناگونی در کشور و در میان طیف‌های مختلف سیاسی مطرح بوده و هست. برخی حل مشکلات کشور را در گرو مذاکره با آمریکا می‌دانند و برخی دیگر نیز عقیده دارند که مذاکره و رابطه با آمریکا سودی ندارد. رهبری معظم انقلاب، بارها با تأکید بر بی‌ثمر بودن مذاکره یا رابطه با آمریکا، چنین نتیجه‌ای را حاصل ارزیابی کارشناسی دانسته‌اند. براساس ارزیابی‌های کارشناسی و تأکید اخیر دکتر ولایتی، مشاور مقام معظم رهبری در امور بین‌الملل، نیز در شرایط کنونی، رابطه یا مذاکره با آمریکا به سود و مصلحت کشور نخواهد بود. در این نوشتار با صرف‌نظر از اظهارنظر و قضاوت هیجانی درباره موضوع، مسأله را در یک چارچوب مبتنی بر شاخص‌های عینی مورد مطالعه قرار خواهیم داد. به منظور بررسی و اثبات این دیدگاه (بی‌ثمری مذاکره یا رابطه با آمریکا) وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران و مصر را به صورت مقایسه‌ای بررسی خواهیم کرد. دلیل انتخاب مصر به عنوان یک مطالعه موردی، وضعیت متضادی است که این دو کشور از لحاظ نوع رابطه با آمریکا دارند؛ یکی متحد استراتژیک آمریکاست و دیگری، در منازعه استراتژیک با آمریکا به سر می‌برد. این تحقیق، نه تنها بی‌ثمری مذاکره یا رابطه با آمریکا را نشان می‌دهد، بلکه از رهگذر ارزیابی

اوضاع کلی مصر، این نکته مهم را اثبات می‌کند که رابطه با آمریکا برعکس می‌تواند پیامدهای منفی برای استقلال، توسعه و پیشرفت کشور داشته باشد.

### طرح موضوع، سؤال و فرضیه

ایران و مصر از منظر نوع رابطه با آمریکا، وضعیت کاملاً متفاوتی دارند. مصر و آمریکا تعبیر «اتحاد استراتژیک» را در تعریف روابطشان به کار می‌برند. دو کشور در سال ۲۰۰۴، سی سالگی روابط استراتژیک خود را جشن گرفتند. ابوالغیط، وزیر خارجه مصر، بارها اولویت اول و اصلی راهبرد سیاست خارجی کشورش را توسعه روابط با آمریکا بیان کرده است. آمریکایی‌ها نیز معتقدند که برای تحقق سیاست‌های خود در خاورمیانه، به هم پیمانی با مصر نیازمندند؛ از این رو آن را (نه با آن شدت و غلظت)، هم‌پیمان منطقه‌ای خود می‌دانند.

البته لفظ اتحاد استراتژیک برای تعریف روابط مصر و آمریکا بسیار غلیظ است؛ از این رو بهتر است که ائتلاف استراتژیک را به کار ببریم البته واقعیت بیشتر به سوی یک نوع «تحمیل استراتژیک» می‌باشد.

در مقابل اتحاد استراتژیک مصر و آمریکا، منازعه استراتژیک ایران و آمریکا قرار دارد. نزدیک سه دهه است که ایران و آمریکا در مخاصمه استراتژیک به سر می‌برند. درست در همین فاصله زمانی که مصر و آمریکا، روابط استراتژیک دارند، ایران و آمریکا قطع رابطه نموده و منازعه سیاسی استراتژیک دارند. اکنون، این پرسش مطرح است که ثمره این دو وضعیت متضاد، برای ایران و مصر چه بوده است؟ اتحاد استراتژیک مصر با

آمریکا و در مقابل، منازعه استراتژیک ایران با آمریکا و قطع رابطه، چه پیامدهای منفی یا مثبتی برای ایران و مصر در پی داشته است؟

بررسی‌های میدانی از اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران و مصر و مطالعه برخی شاخص‌ها نشان می‌دهد که از منظر منافع ملی و مصالح کشوری، پیامد رابطه مصر با آمریکا، وابستگی و عدم توسعه زیربنایی مصر، در مقابل قطع رابطه ایران با آمریکا استقلال و توسعه زیربنایی ایران را به دنبال داشته است.

اگرچه با نادیده نگرفتن این واقعیت که درآمد حاصل از نفت، عامل مهمی در توسعه اقتصادی کشورمان بوده است و مصر فاقد چنین درآمدی است (البته مصر نیز در مقابل، سالانه تقریباً ۱۰ میلیارد دلار درآمد حاصل از توریسم و کانال سوئز دارد؛ ضمن این که در بخش گاز نیز یکی از شش کشور صادرکننده گاز محسوب می‌شود)، اما نقطه تمرکز ما در این بررسی مقایسه‌ای، بیشتر بر مفاهیمی همچون استقلال در ابعاد سیاسی و اقتصادی، استقلال از مداخلات خارجی، خودباوری و اتکای به خویش و تلاش برای داشتن اقتصادی ملی و زیربنایی است.

### کمک‌های بلاعوض آمریکا؛ اهرم فشاری بر حکومت مصر

سه دهه از روابط استراتژیک مصر و آمریکا می‌گذرد. مصر بعد از رژیم صهیونیستی، دومین کشور دریافت کننده کمک‌های بلاعوض آمریکا در جهان است. واشنگتن با قدردانی از اقدام سادات در امضای قرارداد کمپ دیوید، از ۱۹۷۹ تاکنون، سالانه تقریباً ۲ میلیارد دلار کمک بلاعوض در اختیار حکومت مصر قرار می‌دهد. آمریکا در راستای

سیاست اعمال فشار بر حکومت مصر، هر ساله زمزمه‌های قطع یا کاهش بخشی از این کمک‌ها را مطرح می‌کند. البته در عمل نیز این کمک‌ها کاهش یافته و اکنون رقم اولیه ۲ میلیارد دلاری به یک میلیارد دلار کاهش یافته است که یک میلیارد و سیصد میلیون دلار آن، کمک نظامی و بقیه کمک اقتصادی است.

واشنگتن می‌کوشد از این کمک‌ها به عنوان اهرم فشار برای وادار کردن قاهره جهت اجرای سیاست‌های منطقه‌ای خویش، بهره‌برد. برای نمونه، سال جاری برخی اعضای کنگره آمریکا در پی کاهش کمک‌های بلاعوض به مصر به دلیل عدم التزامت حکومت مصر به وعده‌های اصلاحی بودند که در نهایت با مداخله بوش و رایس و تأکید آنها بر این که مصر هم‌پیمان آمریکا و سنگ بنای سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا است، با کاهش کمک‌ها مخالفت کردند. حکومت مصر که از احتمال کاهش کمک‌ها به شدت نگران شده بود، یک هیأت بلندپایه سیاسی و اقتصادی از شخصیت‌های مصری مرتبط با دایره قدرت در آمریکا را به واشنگتن روانه کرد تا در این زمینه لابی کنند. مقامات واشنگتن همچنین از این ابزار برای تحقیر مصری‌ها استفاده می‌کنند. سفیر آمریکا در قاهره، اخیراً در توجیه استمرار کمک‌ها به مصر، آنها را «صدقه» توصیف کرده بود که این امر، واکنش‌های شدیدی در جامعه مصر به دنبال داشت.

### مداخله آمریکا در امور داخلی مصر با چماق اصلاحات و دموکراسی

واشنگتن در سال‌های اخیر به خصوص پس از اشغال عراق و در چارچوب طرح خاورمیانه بزرگ، فشارهای خود را بر حکومت مصر در راستای توسعه دموکراسی و تعمیق

اصلاحات در این کشور افزایش داده است. شدت فشارهای واشنگتن بر قاهره در مباحث اصلاحی در یک دوره زمانی (۲۰۰۴ تا اواسط ۲۰۰۵) به حدی بود که حکومت مصر خود را در تنگنای سیاسی سختی گرفتار می‌دید؛ به طوری که رئیس‌جمهور مصر برای کاهش شدت فشارهای آمریکا، ناچار شد برخی طرح‌های اصلاحی موردنظر و کنترل شده را برای نخستین بار انجام دهد. این فشارها صرفاً محدود به زمان یاد شده نیست.

اگرچه فشارهای آمریکا بر مصر، در مقوله اصلاحات و دموکراسی در چند ماه اخیر کاهش یافته، اما واشنگتن دست کم برای حفظ وجهه بین‌المللی خود هر چند وقت یک بار حکومت مصر را در ضرورت اجرای اصلاحات سیاسی تحت فشار قرار می‌دهد. اکنون، ایالات متحده به رغم داشتن روابط استراتژیک با حکومت مصر، به آسانی با اختصاص بودجه‌های کلان به نهادهای جامعه مدنی مصر، معارضین را در طرح مطالبات اصلاحی علیه حکومت تحریک می‌کند.

به طور میانگین هر ماه هیأتی از کنگره یا دیگر نهادها و سازمان‌های آمریکایی برای دیدار در این راستا، با نهادهای حقوق بشر، جامعه مدنی و احزاب معارض مصری به قاهره می‌آیند و خط مشی اصلاحی برای آنان ترسیم می‌کنند. حکومت مصر از این نوع ملاقات‌ها نگران و بعضاً خشمگین است، اما جرأت مخالفت صریح با این اقدامات مداخله‌جویانه را ندارد؛ از این رو سعی می‌کند افزایش مراودات و کثرت اتصال این هیأت‌ها با نهادهای جامعه مدنی مصر را به حداقل برساند.

اقدامات مداخله‌جویانه و خارج از عرف دیپلماتیک سفارت آمریکا در مصر اقدامات مداخله‌جویانه و خارج از عرف دیپلماتیک سفارت آمریکا در قاهره، به گونه‌ای است که برخی معارضین حکومت مصر که مخالف سیاست‌های آمریکا می‌باشند، این سفارت را به لانه جاسوسی (وکر لتجسس) تشبیه کرده و حکومت خود را به دلیل بی‌اراده بودن در اعتراض به این رویه سرزنش می‌کنند. اخیراً، با انتشار گزارشی با عنوان «سفارت آمریکا در قاهره؛ لانه جاسوسی»، در یکی از روزنامه‌های مصری، اقدامات مداخله‌جویانه سفارت آمریکا از جمله بازدیدهای مشکوک سفیر آمریکا از برخی مناطق ویژه مصر را مورد انتقاد قرار می‌داد. آمریکا بیشترین هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها در مصر را به مناطقی که اقباط و مسیحیان در آنجا حضور دارند، اختصاص داده است. سال گذشته، سفیر آمریکا در جلسه خداحافظی پایان مأموریت خود، در جمع برخی اعضای نهادهای مدنی در مصر، صراحتاً اعلام کرد که سفارت آمریکا مبلغ دو میلیون دلار به شش نهاد جامعه مدنی مصری (معارض) اعطا کرده است. البته این تنها بخشی از کمک‌های آمریکا به نهادهای مدنی معارض در مصر می‌باشد. لازم به ذکر است که هیچ یک از کمک‌ها به جریان‌های اسلامی نظیر اخوان داده نمی‌شود و بیشتر در اختیار نهادهای مبتنی بر مکتب سیاسی و اقتصادی غرب قرار می‌گیرد.

اقدامات و تحرکات سفیر آمریکا در مصر و در مجموع، تعامل تحکمی دولتمردان آمریکایی با حاکمان مصر، شباهت آشکاری با وضعیت ایران پیش از انقلاب اسلامی و نوع تعامل آمریکا با رژیم پهلوی دارد. سفارت آمریکا طرح‌های مختلفی از جمله: اختصاص بودجه‌های کلان به نهادهای مدنی و حقوق بشری در مصر برای تبلیغ و

ترغیب به دموکراسی آمریکایی، اعزام برخی اعضای نهادهای مدنی مصری به آمریکا برای فراگیری دوره‌های آموزشی در زمینه‌های اصلاحی و دموکراسی، اعطای بورسیه تحصیلی به دانشجویان مصری برای تحصیل در آمریکا، اعزام دانشجویان آمریکایی به دانشگاه‌های مصری به‌ویژه دانشگاه آمریکایی قاهره با اهداف تأثیرگذاری بر افکار دانشجویان مصری و تحقیق در رشته‌های منطقه‌ای را در زمینه توسعه اصلاحات سیاسی را در مصر دنبال می‌کند.

از طرح‌هایی که سفارت آمریکا در مصر و در چارچوب طرح خاورمیانه بزرگ به طور جدی دنبال می‌کند، طرح «فرصت‌های آموزشی رایگان» است. این طرح، یک دوره آموزشی چهارماهه در آمریکاست و شامل دو مرحله تئوریک (یادگیری در دانشگاه) و عملی (بازدید از نهادهای مدنی و حقوق بشری آمریکایی) است. این طرح، برای افراد ۲۵ تا ۴۰ سال برنامه‌ریزی شده است.

شرکت‌کنندگان در این طرح، ابتدا از سوی سفارت گزینش می‌شوند. معیارهای پذیرش عبارت است از داشتن ظرفیت‌های بالقوه برای رهبری حرکت‌های اصلاحی و دموکراتیک در کشور، اعتقاد و ایمان به طرح‌ها و سیاست‌های اصلاحی آمریکا، پنج سال تجربه فعالیت تخصصی در زمینه‌های رفعم سیاسی و در نهایت، تمهد به ادامه فعالیت در همین زمینه‌ها در آینده و وفاداری به برنامه‌های اصلاحی آمریکا.

بسیاری از متفکران مستقل مصری عقیده دارند که حکومت مصر جرأت و جسارت مخالفت با سیاست‌های مداخله‌جویانه آمریکا را ندارد. دکتر حلمی محمدالقاعود، متفکر و نویسنده مصری، در این رابطه می‌گوید: «اکنون به اندازه ای فکرم به مقایسه وضعیت

خودمان با وضعیت ایران مشغول شده است که به هیچ چیز دیگری فکر نمی‌کنیم. کسانی از هم کیشان ما (حکومت مصر) اصرار دارند، آنچه را آمریکایی‌ها و هم‌پیمانان وحشی صلیبی استعماری آنها از ما می‌خواهند، بدون چون و چرا بپذیریم و فوراً اجرا کنیم؛ این در حالی است که در آن سو ایرانیان به سرعت در حال پیشرفت هستند. اما ما در مصر به غرب صلیبی استعمارگر تکیه کرده‌ایم. اسلحه وارد می‌کنیم، اما کامل نیست و این سلاح را بدون قطعات یدکی آن تحویل می‌گیریم. گندم را نیز وارد می‌کنیم. این در حالی است که ایران اکنون جزو کشورهای صادرکننده گندم است. باید به ایران احترام بگذاریم؛ زیرا کشوری است که می‌کوشد تا ملت خود را به سوی یک غایت بزرگ، یکپارچه و متحد سازد».

**اتحاد استراتژیک مصر با آمریکا، موجب برتری ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک مصر در منطقه نشده است**

از دیپلماسی قوی مصر در منطقه و جهان و سعی آن بر ایفای نقش برتر در منطقه، نمی‌توان چشم‌پوشی کرد. مصری‌ها این نقش برتر را با اتکا به قدرت برتر یعنی آمریکا ایفا می‌کنند. اما به رغم اتکای مصر به آمریکا و داشتن روابط استراتژیک با واشنگتن، اوضاع واقعی مصر نشان‌گر یک وضعیت با ثبات، اطمینان بخش و پایدار برای این کشور نیست. اتکای مصر به آمریکا، نه تنها حاشیه امنیتی برای مصر به وجود نیاورد، بلکه جایگاه مصر را هم در میان کشورهای منطقه نتوانسته به طور واقعی تقویت نماید.



- مصری‌ها به رغم همه تلاش‌ها و میزبانی اجلاس بین‌المللی شرم‌الشیخ درباره عراق، اکنون نقشی برای خود در عراق متصور نمی‌باشند.
- فضای فکری و سیاسی مصر به اندازه‌ای تحت‌الشعاع روابط این کشور با آمریکاست که موجب شده مصر از فضای آفریقایی دور شود؛ به طوری که کشورهای این حوزه رویکردی به نقش رهبری مصر در قاره ندارند و توجه اصلی به سوی کشورهای چو نایجریه و آفریقای جنوبی است. حتی وضعیت لیبی در عرصه آفریقا به مراتب بهتر از مصر است.
- مصر روابط اطمینان بخش با کشورهای همسایه و عرب نظیر لیبی و سودان و یا کشورهای چو تونس و الجزایر ندارد. مصر سعی می‌کند با دیپلماسی قوی و مناسب، از آشکار شدن اختلافات و کشمکش‌های خود با این کشورها جلوگیری کند.
- مصریها در حوزه رود نیل با کشورهای این حوزه درخصوص سهمیه‌بندی آب و پروژه‌های مشترک، چالش و اختلاف دارند. اسرائیل نیز با تقویت روابط خود با کشورهای این حوزه، درصدد تضعیف مصر و ایجاد تنش در این حوزه می‌باشد.
- در تحلیل جایگاه مصر در جهان عرب نباید صرفاً به وضعیت ظاهری استناد کرد. واقعیت این است که مصری‌ها حتی در جهان عرب نیز اقتدار و نقش رهبری پیشین خود را از دست داده‌اند. امروزه هر یک از کشورهای کوچک‌تر عرب، مدعی نقشی برای خود بوده و نقش کشورهای بزرگ نظیر مصر و عربستان را بر نمی‌تابند. ناسیونالیسم سیاسی در جهان عرب به شدت در حال رشد است و

ناسیونالیسم عربی کم رنگ شده است. بسیاری از کشورهای نوظهور عرب برای اعلان موجودیت خود، برنامه‌های وسیع‌تری نسبت به مصر و عربستان دارند، تا از این طریق بتوانند متمایز بودن خود را نشان دهند.

- برخی کشورهای عربی از طولانی شدن ریاست مصر بر اتحادیه عرب انتقاد می‌کنند.
- به رغم تلاش مصر برای توسعه رابطه با رژیم صهیونیستی و امتیازدهی، سران این رژیم هنوز مصر را خطر اصلی می‌دانند.
- حکومت مصر به رغم اتحاد استراتژیک با آمریکا، همواره از سوی واشنگتن تحت فشار است.
- رشد مطالبات اصلاحی در داخل، به خصوص قدرت‌یابی اخوانی‌ها، حکومت مصر را با چالش مواجه کرده است.
- براساس نتایج انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۵، حکومت مصر کمتر از ۱۸ درصد جایگاه مردمی برخوردار است.

### اوضاع کلی اقتصاد مصر در سایه روابط استراتژیک با آمریکا

سه دهه روابط استراتژیک مصر با آمریکا نه تنها تأثیر مثبتی بر اقتصاد زیربنایی مصر نداشته، بلکه این کشور را دوچار وابستگی نموده است. فقر و بیکاری در مصر، پدیده‌های بارز و آشکاری است که درک آن نیاز به محاسبه و آمار ندارد. مصر در زمینه

اقتصادی، چه در بعد زیرساختی و چه در حل مشکلات معیشتی مردم، بامشکلات اساسی مواجه است.

اساساً مصر فاقد زیرساخت اقتصاد ملی است. ناگفته نماند که در این کشور، تأسیسات و مراکز اقتصادی مدرن و پیشرفته‌ای نیز وجود دارد، بیشتر شبیه ماکتی است که در خارج طراحی و در داخل تعبیه شده است. قدرت و توان اقتصادی - صنعتی مصر، در اتکای به فناوری وارداتی است. جالب است بدانیم که مصر حتی در زمینه صنایع دستی خود نیز وابسته است. صنایع دستی این کشور جز کاغذ پایروس، همگی ساخت چین است. میزان بیکاری در مصر بالاست و آماري که از سوی نهادهای بین‌المللی یا نهادهای غیردولتی مصر ارائه شده، میزان بیکاری را ۲۴ درصد نشان می‌دهد. اما بررسی‌ها و مشاهدات عینی نشان می‌دهد که میزان واقعی بیکاری در مصر بالاتر از این رقم می‌باشد. آماري که برخی سازمان‌های داخلی مصر (غیردولتی) منتشر کرده‌اند، حاکی از آن است که بیش از ۴۰ درصد مردم مصر فقیرند. آماري که در مصر تهیه شده، نشان می‌دهد که ۱۶ میلیون نفر از مردم مصر قادر به تهیه غذای روزانه خود نیستند. ۲۴ درصد مردم با درآمد کمتر از ۲ دلار زندگی می‌کنند. برنامه جهانی غذا، سال گذشته در گزارشی نوشت، دو سوم از کمک‌های تقریباً ۲ میلیارد دلاری آمریکا به مصر در جهت منافع اغنیا در این کشور هزینه می‌شود. در گزارش ارائه شده از سوی سازمان ملل در سال گذشته، آمده است که بیش از نیمی از مردم مصر دچار فقر می‌باشند. درک بهتر از فقر و بیکاری در مصر، تنها با حضور میدانی در این کشور میسر است.

## صنایع

در این قسمت، به منظور بررسی مقایسه‌ای وضعیت صنعت در ایران و مصر می‌پردازیم. برای نمونه، به صنعت خودروسازی می‌پردازیم. مصری‌ها به رغم سال‌ها فعالیت در این صنعت، هنوز فاقد صنعت ملی تولید خودرو می‌باشند. در مصر سالانه ۷۰ هزار دستگاه خودرو وارد بازار می‌شود که نیمی از آن به صورت CBU یا کاملاً وارداتی است و نیمی دیگر نیز CKD و یا مونتاژ شده در داخل است. در مصر ۱۴ شرکت مصری و خارجی در زمینه خودروسازی فعالیت می‌کنند که همه آنها مونتاژکننده خودروهای غربی و شرقی از آمریکا تا ژاپن می‌باشند. در شهر قاهره می‌توان کلکسیونی از انواع خودروهای تولید شده در جهان را مشاهده کرد، اما هیچ خودروی ملی و یا دست کم خودرویی که بخشی از قطعات آن ساخت داخل باشد، در مصر وجود ندارد. مصر سالانه بیش از ۳۰۰ میلیون دلار قطعات یدکی خودرو وارد می‌کند. صنعت خودروسازی ایران، سالانه تقریباً ۷۰۰ هزار دستگاه خودرو در کشور تولید می‌کند که بسیاری از آن، با قطعات ساخت داخل است. در حال حاضر، صادرات خودروی ایران بازار مصر را نیز در نوردیده است. مصر فاقد صنعت قطعه‌سازی (جز یک یا دو قطعه مثل آگزوز) است. مصری‌ها به صورت جزئی وارد کننده قطعات یدکی از ایران نیز می‌باشند. به گفته یکی از مسؤولان صنعت خودروسازی کشورمان، صنعت خودروسازی در مصر وضعیت ۴۰ سال پیش ایران را دارد.

## هسته‌ای

جمهوری اسلامی ایران در مقوله هسته‌ای در پیش گرفتن سیاست استقلال و عدم وابستگی در مقطع پس از انقلاب، گام‌های بلند و سرنوشت سازی برداشته است. در اینجا کافی است اشاره کنیم که به رغم اقدامات و تلاش‌های به عمل آمده در مصر پس از انقلاب ژوئیه ۱۹۵۲، به گفته مصری‌ها ساختار هسته‌ای این کشور به دلیل فشارهای آمریکا و رژیم صهیونیستی و کوته بینی برخی افراد داخلی متوقف و تخریب گردیده است. دکتر عصمت زین الدین، مشاور هسته‌ای جمال عبدالناصر و بنیان گذار بخش مهندسی هسته‌ای دانشگاه عین شمس مصر، در پاسخ به این سؤال که چرا مصر فاقد صنعت هسته‌ای است، می‌گوید: پروژه هسته‌ای نیازمند سه چیز است: ۱. کادر انسانی که مصر فاقد چنین کادری است. ۲. توانمندی‌های ساخت که در مصر نبوده و نیست. ۳. رهایی از فشارهای بین‌المللی.

دکتر زین الدین دلیل شکست و ناکامی پروژه هسته‌ای مصر را به اختصار چنین تعریف می‌کند: «در برنامه هسته‌ای عبدالناصر ناامید شد، سادات تسلیم شد و مبارک فروخت». مصر قادر به احیای برنامه هسته‌ای خود نیست. چون کشورهای بزرگ نمی‌گذارند. وی در خصوص برنامه هسته‌ای ایران می‌گوید: «ایران دست به کار بسیار مهمی زده است».

مکرم محمد احمد، مدیر مسؤول مجله مصری «المصور» و از مسؤولان پیشین امنیتی مصر در دوران سادات و افراد وابسته به حکومت مبارک، طی دو مقاله در روزنامه الاهرام با طرح این پرسش که مصر در قضیه انرژی هسته‌ای خود اکنون چه باید کند؟

می نویسد: «آیا می توانیم به جایگاه یک مرغابی فلج رضایت دهیم و شاهد تفاوت عمیق بین فناوری هسته‌ای مصر و ایران و مصر و آفریقای جنوبی باشیم. همه این‌ها کشورهایی هستند که دارای برنامه هسته‌ای می‌باشند و این مهم، آنها را قادر می‌سازد جهش‌های مهمی را در زمینه‌های افزایش تولید داخلی و بالا رفتن کیفیت تولید بردارند. آیا می‌توانیم شاهد از دست رفتن فرصت‌های پیشرفت حقیقی برای مصر باشیم و به پایین‌ترین جایگاه در منطقه رضایت دهیم؟»

دکتر مجدی احمد حسین، دبیر کل حزب اسلام‌گرای کار در مصر، که اخیراً به ایران نیز سفر کرده است، می‌نویسد: «موفقیت علمی ایران در زمینه هسته‌ای، اتکالی به خویشتن در تمام اشکال قدرت علمی را نشان می‌دهد. ما از حجم نهضت علمی و تکنولوژیکی در ایران غافلیم. اما دشمنان می‌دانند که ایران عملاً یک قاعده وسیع علمی را پایه‌ریزی نموده است.»

### کشاورزی (مورد گندم)

گندم یکی از کالاهای استراتژیک در دنیاست. کشوری که دست کم قادر به تولید گندم به اندازه نیاز داخلی خود نباشد، در مرحله آسیب‌پذیری جدی قرار دارد. در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران به مرحله مازاد تولید این محصول رسیده است. مصر به رغم داشتن نیروی وسیع انسانی و زمین‌های مرغوب به خصوص در حاشیه سواحل شمالی همچنان در مرحله وابستگی قرار دارد و سالانه تقریباً ۶ میلیون تن گندم از آمریکا، استرالیا، فرانسه و حتی سوریه وارد می‌کند. ۶۰ درصد گندم وارداتی از آمریکاست. مصرف

سالانه گندم در مصر، ۱۱ میلیون تن می‌باشد که ۵ میلیون تن در داخل تولید و ۶ میلیون تن نیز وارد می‌شود. با روی کار آمدن دولت نظیف، وزیر جدید کشاورزی، در اولین سخنرانی، خودکفایی در تولید گندم را اصلی‌ترین راهبرد وزارتش اعلام کرد. بلافاصله پس از چند روز، خبرهایی مبنی بر تصمیم دولت آمریکا برای اعطای تسهیلات بیشتر به واردکنندگان گندم در مصر منتشر شد که نتیجه چنین اقدامی، کاهش قیمت گندم وارداتی آمریکا نسبت به گندم تولید شده در مصر بود. کارشناسان مصری عقیده دارند که علت اصلی بحران گندم، فقدان اراده در کشور برای حل این مشکل است. مجدی سلامه، نویسنده مصری، عقیده دارد که «عدم تحقق خودکفایی در تولید گندم، توطئه‌ای است که از واشنگتن سرچشمه می‌گیرد. واشنگتن در هر توافقنامه اعطای وام یا کمک مالی به مصر، طی یک بند شرط می‌کند که این کمک‌ها در تحقق خودکفایی گندم به کار گرفته نشود». نکته قابل ذکر در ارتباط با مصرف بالای گندم در مصر، این است که مردم این کشور به دلیل پایین بودن سطح معیشتی، قادر به مصرف مواد غذایی گوناگون نیستند و رویکرد مردم این کشور به مصرف نان بسیار بالا است.

### جمع‌بندی

می‌توان ادعا کرد که جمهوری اسلامی ایران به لحاظ توسعه یافتگی در بخش اقتصاد زیربنایی، اوضاع معیشتی مردم، خودباوری و اتکای به متخصصان خودی، استقلال در عرصه سیاسی، دارا بودن حاشیه امنیتی واقعی و نه کاذب، وضعیت برتر ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک در منطقه و مقبولیت در افکار عمومی جهان اسلام، به مراتب نسبت به

مصر در وضعیت برتری قرار دارد. متفکران مصری نیز بر این امر صحه گذاشته و عقیده دارند که مصر به دلیل وابستگی به آمریکا، از توسعه اقتصادی و زیربنایی عقب افتاده است. حقارت ملی، موضوعی است که این روزها اغلب متفکران و سیاستمداران مستقل و معارض مصری به عنوان پدیده‌ای که حکومت مسبب آن می‌باشد، مطرح می‌کنند. مردم مصر به اندازه‌ای که می‌توانند حکومت خود را مورد نقد و انتقاد قرار دهند، براحتی حق انتقاد از سیاست‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی را ندارند. امروزه وضعیت جامعه مصر در مخالفت با سیاست‌های آمریکا و نفرت از حاکمان واشنگتن، قابل مقایسه با هیچ کشور دیگر عربی نیست. در یک نظرسنجی که آمریکایی‌ها از مردم کشورهای مختلف عربی در رابطه با نوع نگاهشان به آمریکا صورت داده بودند، مصر جایگاه اول را در مخالفت با سیاست‌های آمریکا داشت. در مساجد مصر، ائمه جمعه‌ها و جماعت‌ها (که کارمند دولت هستند) حق ورود به مباحث سیاسی و مخالفت با آمریکا را ندارند. در این کشور، حتی یک دانش آموز دختر ۱۵ ساله (آلاء فرج مجاهد) که در کلاس انشاء این گونه می‌نویسد که: «آمریکا کشوری استعماری و ظالم است که خیر ملت‌ها را نمی‌خواهد. آمریکا نمی‌خواهد مصر پیشرفت کند یا دارای اراده باشد. آمریکا فضای سیاسی مصر و جامعه مصر را آلوده کرده است». از سوی دستگاه مربوط در آن ماده درسی مردود می‌شود.

دولت مصر هنوز قادر نیست در ابتدایی ترین مشکل یعنی جمع‌آوری زباله از سطح شهر قاهره نیز اقدام فوری انجام دهد. معارضین نیز همین نکته را دستاویز قرار داده و در پاسخ به ادعاهای اصلاحی حکومت، بر این نکته تأکید می‌کنند که «اول جمع‌آوری زباله، بعد اصلاحات».



بررسی وضعیت اقتصادی و سیاسی مصر در سایه روابط استراتژیک این کشور با آمریکا نشان می‌دهد:

۱. روابط استراتژیک مصر با آمریکا، نه تنها کاهش مداخلات آمریکا در امور داخلی مصر را به دنبال نداشته، بلکه واشنگتن از این فضا برای افزایش فشارها بر دولت قاهره بهره برده است.
۲. روابط استراتژیک مصر با آمریکا، موجب برتری واقعی و غیر کاذب مصر در منطقه و در افکار عمومی جهان عرب و دنیای اسلام نشده است.
۳. روابط مصر با آمریکا موجب شده تا واشنگتن قاهره را در ترسیم نوع سیاست‌های منطقه‌ای به خصوص در موضوع فلسطین، عراق، سودان، اتحادیه عرب و نظایر آن تحت فشار قرار دهد.
۴. روابط استراتژیک مصر با آمریکا، حاکمان قاهره را به دلیل ملاحظه مصلحت این نوع رابطه، در دفاع از حقوق ملت‌های مسلمان سست و بی‌اراده نموده است.
۵. روابط مصر با آمریکا هیچ ارمغان اقتصادی برای تضمین آینده مصر در پی نداشته است.
۶. روابط مصر با آمریکا، موجب شده تا مصر در حالت وابستگی بماند و از داشتن اقتصادی زیربنایی و ملی محروم گردد.

در پایان به برخی از نظرات و مشاهدات عینی مرحوم دکتر عادل حسین، نویسنده مصری عضو حزب اسلام‌گرای کار، در ارتباط با کتاب «ایران کشوری اسلامی؛ یعنی

چه؟» اشاره می‌کنیم: «برپایی جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)، نقطه عطفی در تاریخ نهضت اسلامی و امت اسلامی است که باید این حادثه را بررسی کنیم. کشورهای استکباری، جوهر پیروزی انقلاب اسلامی ایران را درک کرده‌اند، اما اکثریت ما در مصر و در دیگر کشورهای عربی و اسلامی از درک عمیق آنچه در ایران اتفاق افتاده است، بدوریم. خدا را سپاس که من جزو این دسته از غافلان نبوده‌ام. آنچه در ایران تحقق یافته است، یک فعل الهی است که نتایج آن، فراتر از ایران را شامل می‌شود. تجربه ایران و موفقیت‌های آن، نشان داد که اسلام عملاً راه‌حل‌های مناسبی برای مشکلات معاصر ما دارد. آری، خداوند اسلام را با ایران و ایران را با اسلام عزیز کرده است... به رغم محاصره اقتصادی آمریکا، شیوه ایران در اصلاح اقتصادی به پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در این کشور منجر شده است. اجماع کلی وجود دارد که تولیدات کشاورزی در ایران، ارقام بالایی را کسب کرده و موجب شده نیاز ایران به واردات مواد غذایی کاهش یابد. در صنایع نظامی و غیرنظامی نیز وضعیت همین‌طور است... الگوی ایران، نمونه‌ای از امکان اعتماد به نفس در تحقق پیشرفت است. در این الگو، چیزهای زیادی وجود دارد که باید بیاموزیم؛ گرچه دنبال کردن چنین الگویی، مشقت‌ها و هزینه‌های زیادی نیز دارد و نیازمند رهبری قوی و امین است. نمی‌توانیم درباره توسعه اقتصادی ایران بدون اشاره به اثرات التزام دینی بر این توسعه سخن بگوییم... اقتصاد مصر توخالی است و به آسانی از سوی آمریکا و اسرائیل قابل رسوخ و از هم پاشیدگی است. اما اقتصاد ایران، قادر است دشمنان را از آسیب رساندن به آن باز دارد».

عباس گلرو، کارشناس مسائل شمال آفریقا